

# صبح ایران

بررسی تاریخی جریان نفوذ در آستانه ادامه پخش سریال «سرزمین مادری»

## جاسوسی بانیشان خادم نظام امپراتوری بریتانیا

صفحه ۷

در گفت‌وگوی «جام جم»  
با کارگردان قوبلد مطرح شد

### الگوی مطالبه‌گری در چارچوب قانون



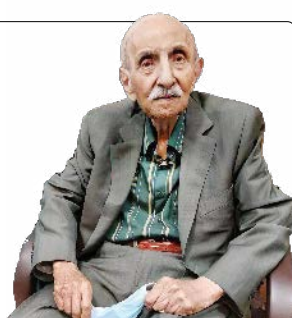
پرونده «جام جم» درباره حضور پرنسگ نمایش اقوام  
و شهرهای مختلف کشور در تلویزیون

### روایتی هنری از تنوع قومیتی



نگاهی به سال‌ها فعالیت مسعود اسکویی  
در رادیو و تلویزیون

### صدای همیشه جوان



### صلح در جنگ

چراما ایرانیان پیشگام ساخت جنگ افزارهای سنگین و کشتار جمعی نبوده‌ایم؟! ما که از دوران بابل قدیم د چار ظلم ضحاک بودیم و در دوران ماد هر روز مصیبت حمله آشور را می‌کشیدیم و تا امروز در پرجالش‌ترین نقطه جهان به هنرمندانه‌ترین شکل زیست کرده‌ایم. چراما ایرانیان چشم مصنوعی ۴۰۰۰ ساله، باتری ۲۰۰۰ ساله، مهندسی شگفت‌انگیز ۶۰۰۰ ساله، قنات، پزشکی سینایی، ریاضیدان‌ها، مهندسان و منجمان بزرگ داریم و بسیاری از اختراعات و ابتکارات بزرگ جهان را رقم زده‌ایم اما در طول هزاران سال برای دفاع از خود حتی یک سلاح سنگین جنگی نساخته‌ایم؟! تا به حال به این فکر کرده‌اید که چرا آتش یونانی؟ چرا توپ و بمب اروپایی؟

به قول غربی‌ها خاورمیانه و به قول تاریخ‌خودمان نیمروز جهان یا سرزمین میانه، نه فقط در این روزگار بلکه تا آنجا که مدارک قدیمی دهد از آغاز شهرنشینی یعنی از ۶۰۰۰ سال پیش همواره پرجالش‌ترین نقطه جهان بوده است و چه جنگ‌ها که در این خطه رخ نداده، از روزگار بابل قدیم تا دوران مغول، عثمانی و... و این پیشینه کهن جنگ و ستیز در این سرزمین گرچه باعث تولید جنگ افزارهای متنوعی شده، از کوپال، خشت، گرز، نیزه، زوبین و مشمشیر گرفته تا تیرزین، سپر، کمان، کمند، خنجر و... اما جالب این است بآن‌که دانش و مهندسی در ایران بنا به شواهد تاریخ ۱۰۰۰ ساله کتاب‌ها و مدارک متقن باستان‌شناسی چند هزار ساله همواره مترقی و برتر بوده - که نمونه‌های آن بی‌شمار است - اما هیچ‌گاه ایرانیان سلاح‌های کشتار جمعی نساخته‌اند و حتی جنگ تمام‌شومی و تلخی‌اش در مواجهه با روح سرشار ایرانی دارای فرهنگ شده و اصول جنگ و لشکرکشی شکل گرفت. نکته‌های پررنگ و پرتکراری در کتاب‌های تاریخی و اساطیر ایران در این مورد وجود دارد که مخاطب فهیم با کنازهم گذاشتن آنها به این نتیجه می‌رسد که جنگاوری و دفاع از وطن یا حتی فتح سرزمین‌های جدید در تاریخ کهن و با شکوه ایران دارای یک فرهنگ منحصر به فرد بوده و هست. گزیده‌ای از شاخص‌های این فرهنگ را باهم مرور می‌کنیم:

از شاهنامه که تاریخ چند ده هزارساله ایران است تا کتاب‌های تاریخی و سرگذشت‌ها یک نکته اساسی در جنگ‌های ایرانی میدان‌داری پهلوانان است به این معنی که در هنگامه روبه‌رو شدن دو سپاه، رسم ایرانیان این‌گونه بود که نخست یک پهلوان شاخص به میدان می‌رفت و با بهترین جنگاور سپاه دشمن مبارزه می‌کرد تا با این مانور نظامی عیار هرکدام از طرفین نمایان شود و در این بین حاکمان و فرماندهان تصمیم به ادامه جنگ یا پایان دادن به آن بگیرند و این فرهنگ با هدف جلوگیری از خونریزی و کشت و کشتار بوده است که در جای جای سرگذشت‌هایی چون داراب نامه، سمک عیار و... بارها این نکته گنزد می‌شود که نباید مردمان و سپاهیان پیروده کشته شوند و چقدر تلاش‌ها برای جلوگیری از خونریزی و کشت و کشتار و چقدر اشاره‌ها که به زنده نگه داشتن اسیرها و رحم کردن بر جوانان در میدان مبارزه در تاریخ ایران هست، همچنین اشاره‌های بسیار وجود دارد که سپاهیان کشورهای بیگانه در مواجهه با سپاه ایران پیگیر دانستن اصول جنگی ایرانیان می‌شوند تا با این قاعده آشنا گردند و این خود تأییدی بر ایرانی بودن این سنت است که شیوه جهانگیری کوروش با اجتناب از خونریزی یکی از نتایج همین فرهنگ است.

اما در مقابل نمونه‌ای از شیوه نبرد جنگ‌های غیر ایرانی را مرور کنیم: در اسکندرنامه می‌بینیم که یک گردان چند هزار نفره از لشکر اسکندر گجستک به نام نفاط‌ها معرفی می‌شوند که کارشان افکندن شیشه‌های نفت یا آتش یونانی (کوکتل مولوتف امروزی) بر سردشمنان و سوزاندن دسته جمعی آنهاست.

آری بی‌شک ساخت سلاح‌های سنگین و مهیب بارها به ذهن مهندس ایرانی رسیده است اما در مرام ما نبوده که دشمن را با خونریزی و نیرنگ شکست دهیم.



سیدمسطفانی  
استادساز و  
کارشناس سینما

مقابله با دین و سنت‌های مذهبی از جامعه دنبال می‌شد. این درحالی بود که در سال‌های پس از کودتای آمریکایی انگلیسی ۲۸ مرداد، جای پای استعمارگران انگلیسی و آمریکایی از طریق اهرم‌های سیاسی و اقتصادی به خصوص نفت و کنسرسیوم نفتی، روزبه‌روز محکم‌تر و قوی‌تر شده و بیشتر و بیشتر ثروت‌های مادی و معنوی ملت را به غارت می‌بردند، در چنین اوضاع و احوالی که تقریباً تمامی

صدا‌های مخالف و منتقد خاموش شده و تمامی نیروهای سیاسی اعم از ملی‌گرا و چپ و راست به گوشه‌ها خزیده بودند، در بخشی از یکی از شهرهای مرکزی ایران یعنی قم، مرکزی علمی/ دینی به نام حوزه علمیه قم، فعالیت خود را از سر گرفت. در حالی که سرزمین ما همچنان سرگوب جنبش‌های مذهبی مختلف در دوران پهلوی دوم (از جمله اعدام قدا بییان اسلام در سال ۱۳۳۴) را شاهد بود اما حوزه تازنفلسی قم آرام و درونی تحولی را از سر می‌گذراند و گویی همچون آتشی زیر خاکستر، خود را برای نهضتی عظیم آماده می‌ساخت؛ گرچه سازمان تازه تأسیس یافته اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نگاهی مشکوک به این تحول درونی و آرام داشت. در واقع می‌توان یکی از نخستین گزارش‌های مفصل ساواک در همان بدو تأسیس‌اش را راجع به حوزه علمیه قم دانست.

گزارش فوق در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۳۵ از سوی سرهنگ کمالی، افسر دایره امنیت مذاهب ساواک که به قم اعزام شده بود در سه برگ از طریق سرهنگ قلقلسه رئیس اداره به تیمور بختیار، رئیس وقت سازمان امنیت کشور ارائه شد و رونوشت آن نیز به اداره سوم فرستاده شده بود.

در گزارش فوق ضمن تشریح وضعیت تحصیلی طلاب حوزه علمیه قم، توضیح مفصلی درباره مراجع و علما و حوزه‌های درسی‌شان نوشته شده و حتی تعداد طلاب کلاس‌های درس هر یک از مراجع و مدرسین به طور حدودی درج شده بود. از نکات قابل توجه این گزارش، اعتراف تاریخی مأمور ساواک

به وضعیت کلاس‌های درس امام خمینی (رحمه...) علیه‌الست که از کلاس‌های سایر مراجع و مدرسین، بر مخاطبت و با استقبال بیشتری مواجه بود. این درحالی است که بعد از آغاز نهضت امام در سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، بارها عوامل رژیم شاه از جمله ساواک سعی کردند که شخصیت علمی حضرت امام را زیر علامت سؤال برده و ایشان را نسبت به سایر علما پایین‌تر نشان دهند. در گزارش یاد شده که تعداد طلاب درس خارج آقایان سیدمحمد رضا گلپایگانی و سیدکاظم شریعتمداری حدود ۳۰۰ نفر، کلاس‌های سیدمحمدحسین طباطبایی قاضی (علامه طباطبایی) حدود ۲۰۰ نفر و تعداد طلاب درس خارج آقای شیخ محمد اراکی (که در گزارش ساواک در توصیف ایشان آمده است از صحابه مقدم مرحوم شیخ عبدالکریم) در حدود ۱۰۰ نفر ذکر شده است اما در باره درس امام چنین نوشته شده است:

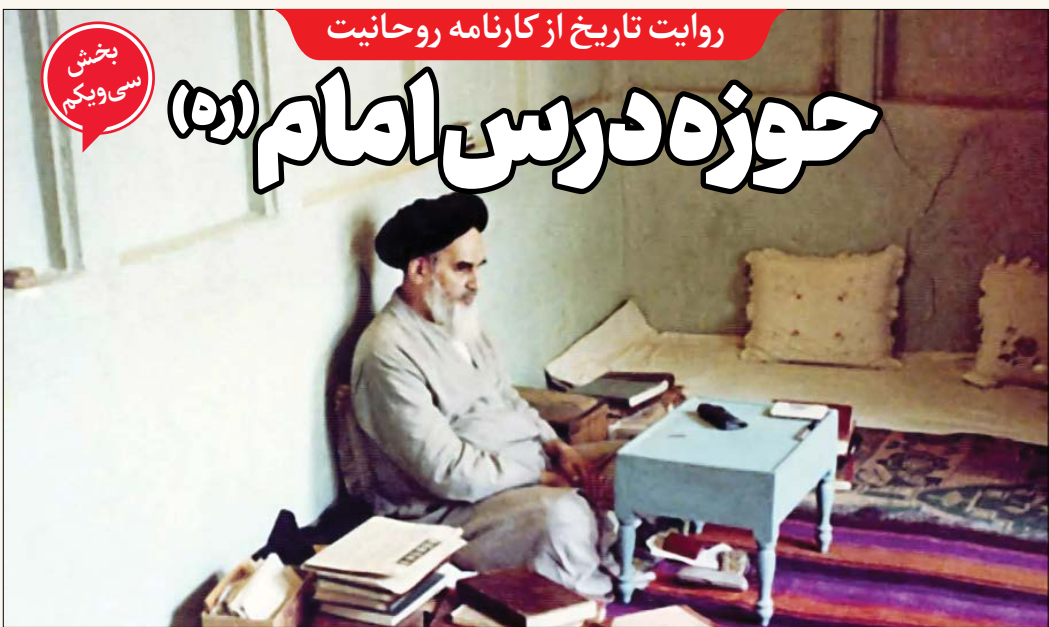
«آقای حاج آقا روح... خمینی که از لحاظ درس حائز اهمیت است، در حدود ۵۰۰ نفر...»

چگونه حوزه علمیه قم رونق گرفت

براساس اسناد موجود، حضرت امام خمینی (رحمه...) علیه‌الست... (علیه) به دنبال آیتا... العظمی شیخ عبدالکریم حائری عازم قم شدند و هنگام بنیادگذاری حوزه در کنار ایشان حضور داشتند. با حضور علمای گرانقدری همچون آیتا... العظمی حائری و امام خمینی در قم، تدریس فلسفه و عرفان مجدداً در حوزه باب شد و اساتید و مراجع برای گروهی از شاگردان‌شان این دو درس را برگزار

### روایت تاریخ از کارنامه روحانیت

## حوزه درس امام (ره)



بخش  
سی‌ویکم

می‌کردند. از جمله امام خمینی که همزمان با تدریس فلسفه، برای افراد شایسته و مورد اعتماد به طور خصوصی بحثی از علوم عرفان را نیز شروع کردند. در کنار دروس فوق، درس اخلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و در واقع به نوعی پیوند حوزه علمیه با زندگی مردم محسوب می‌شد، چنانچه در دروس اخلاق حوزه، بسیاری از غیرحزویان و مردم عادی اعم از کاسب و بازاری و دانش‌آموز و دانشجوی شرکت می‌کردند و با تأثیر اخلاقیات دینی در زندگی آشنا می‌شدند. در واقع این اخلاقیات به نوعی سبک زندگی دینی را به آنان آموزش می‌داد که در غوغای مدرنیسم و تجدید وارداتی، سال‌ها می‌شد که به فراموشی سپرده شده بود. از جمله حضرت امام خمینی (ره) که به تهذیب نفس و رشد قوای روحی و اخلاقی شاگردان، اهمیت زیادی می‌دادند، به دنبال آغاز تدریس فلسفه و عرفان و به منظور تعلیم امور اخلاقی و علوم معنوی، جلسه پند و اندرز نیز منعقد می‌ساختند. در آغاز، این جلسه بسیار محدود بود و ایشان از کتاب «منازل

امام را ناچار ساختند تا برنامه درس اخلاق مدرسه فیضیه را به مدرسه حاج ملاصادق که در محلی دورتر بود، منتقل کنند.

قریب به اتفاق آیات عظام و علمای اعلام و مجتهدان گرمی حوزه‌های علمیه در همان زمان اتفاق نظر داشتند که اساساً کلاس‌های درس حاج آقا روح...! مجتهد پرور بوده، محصلان و دانش‌پژوهان را استقلال فکری می‌بخشید و راه و روش استنباط احکام را به آنان می‌آموخت. از همین رو بود که از حوزه‌های درس امام طلی سال‌های تدریس ایشان، صداها نقر مجتهد صاحب نظر و آگاه فارغ‌التحصیل شدند که بعضاً خود صاحب کلاس و حوزه درس گشتند و صداها طلیه و روحانی را از علم و دانش خویش بهره‌مند ساختند.

حدود ۱۰۰۰ نفر از فضلا و صاحب‌نظران محقق و دانشمند که امام (رحمه...) علیه‌الست را به عنوان استادی دانا، صاحب نظری توانا و عالمی بی‌همتا می‌شناختند در کلاس‌های درس ایشان زانو زده و از آن دریای موج علم و فضیلت بهره‌مند می‌شدند و آنگاه که کلاس درس امام پایان می‌یافت، انبوه شاگردان در مسیر مسجد سلماسی تا مدرسه فیضیه موج می‌زدند و حالتی روحانی به خیابان ارم و حومه صحن مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) می‌بخشیدند. در سال‌های آخر پیش از دستگیری و تبعید امام خمینی (ره) (تعداد شاگردان درس‌شان از ۲۰۰ نفر متجاوز شده بود که تقریباً یک برابر و نیم شاگردان درس مرحوم آیتا... بروجردی در سال‌های آخر زندگی آن مرحوم بود.

تعداد بسیاری از علما و فضلاء حوزه علمیه قم در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ در علوم منقول یا معقول یا هر دو رشته، افتخار شاگردی امام خمینی (ره) را داشته و از مکتب پرفیض ایشان کسب دانش کردند. از حوزه درس بزرگ مرجعی که حدود ۳۰ سال بهترین و بزرگ‌ترین کرسی درس شیعه را به عهده داشت، صداهانر عالم، فاضل و مجتهد فارغ‌التحصیل شده و به اطراف و اکناف کشور پراکنده شدند تا آرمان‌ها و اهداف بلند او را در سراسر این سرزمین و همچنین سایر کشورهای اسلامی ترویج کرده و نشر دهند.

### برای خواندن قسمت‌های گذشته این مطلب کیو آر کد را اسکن کنید



ملی‌شدن  
منهت نفت



کودتای  
سپاه ۱۳۹۶



قرارداد  
۱۳۹۶



سوابست ما عین  
دریانت عافت



پرومیداران  
نهشت نیاگو



ایستاده در مقابل  
قرارداد‌های استعماری